



بخش تحقیق: تحولات اجتهاد شیعی: سیر تاریخی، حوزه ها و شیوه ها (2)

پدیدآورده (ها): محقق داماد، سید مصطفی

حقوق :: تحقیقات حقوقی :: پاییز و زمستان 1386 - شماره 46 (علمی-پژوهشی/ISC)

از 7 تا 44

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/248811>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 01/04/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

بخشی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

تحقیق



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

تحولات اجتهاد شیعی: سیر تاریخی، حوزه‌ها و شیوه‌ها (۲)

دکتر سید مصطفی محقق داماد*

چکیده

در بخش پیشین از این نوشتار به سه مکتب فقهی نجف، سامرا، و قم اشاره کردیم. این سه مکتب همگی هم سن و سال نیستند. نخستین مکتب یعنی مکتب نجف دارای عمری نسبتاً طولانی و تولدش به قرن پنجم هجری باز می‌گردد و دو مکتب دیگر نوپا هستند و بیش از حدود یک قرن واندی از عمرشان نمی‌گذرد. هر سه در دوران معاصر با تحولات چشمگیری روبرو بوده‌اند و اگر دوران معاصر را، دوران تحول اجتهاد در عرصه حقوق اسلامی که بخش اجتماعی و کاربردی فقه است، بنامیم گزاف نگفته‌ایم. منظور ما از دوران معاصر، مقطع تاریخی دوران تفقه شاگردان شیخ انصاری به بعد است. در این دوران هر سه مکتبی که در فصل پیش گفتیم (مکتب نجف - مکتب سامرا - مکتب قم) سیر تحولی خود را آغاز و به نحو چشمگیری ادامه مسیر داده‌اند.

تحولات اجتهاد در این دوران متأثر است از عوامل و رخداد‌های اجتماعی و سیاسی جهانی که جوامع اسلامی را درگیر نموده و فقاقت شیعی نمی‌توانسته نسبت به آن بی‌تفاوت باشد و لذا فقه شیعه را در محورهای مختلف عمومی، سیاسی، خصوصی و جزائی متحول ساخته است.

در این بخش از نوشتار می‌خواهیم به نحو خلاصه به عوامل موثر اشاره کنیم و نمونه‌ای از آثار مربوط را با اتکاء بر اسناد معتبر ارائه دهیم.

کلیدواژگان

فقه عمومی - فتوای تنباکو - فتوای سید لاری - مقاومت مدنی.

* استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

اجتهاد شیعی در طول تاریخ تحولات زیادی را به خود دیده است. اما دوران معاصر را اگر دوران تحول اجتهاد در عرصه حقوق اسلامی که بخش اجتماعی و کاربردی فقه است، بنامیم گزاف نگفته‌ایم. منظور ما از دوران معاصر مقطع تاریخی دوران تفقه شاگردان شیخ انصاری به بعد است که حدود یک قرن و اندی می‌باشد. در مقاله پیش گفتیم که در این دوران سه مکتب فقهی یعنی مکتب نجف، مکتب سامرا و مکتب قم سیر تحولی خود را آغاز و به نحو چشمگیری ادامه مسیر داده‌اند. همانطور که اشاره شد هر کدام از این مکاتب سه گانه در بخشهای مختلف فقه یعنی بخش سیاسی - عمومی و بخش خصوصی و بخش عبادی ویژگی‌های مخصوص خود را دارند. جالب است براین نکته تاکید کنیم که در سطور آینده تاثیر روش فقاقت هر مکتب را در موضوع‌گیری فقیهان فارغ‌التحصیل از آن حوزه‌ها، متفاوت با دیگری خواهید دید. در این دوران خواهیم دید که معیارهای تازه‌ای برای استنباط و صدور فتوا مطرح شد که قبلاً به هیچ وجه طرح نشده بود. نظریاتی نظیر تاثیر زمان و مکان در اجتهاد و یا اهمیت بیش از سابقین به بنای عقلا و یا تردید در اجماعات و مسلمانی در مسائل عرفیه نظیر ضَم ذمه به ذمه و یا طهارت اهل کتاب و بسیاری امور دیگر همه در این مقطع تاریخی (دوره معاصر) توسط فقیهانی نامدار ارائه گردیده است، ولی جای تردید نیست که بسیاری از این جرقه‌های فکری معلول نیازهای زمان بوده است.

عوامل موثر در تحولات

در دوران معاصر حوادثی در عالم اسلام رخ داده که بر جامعه اقلیت تشیع و محصولات اجتهادی آن نمی‌تواند بی‌تأثیر باشد. گذشته از آنکه در جامعه شیعیان نیز وقایعی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اتفاق افتاده که هر کدام از آن وقایع در فقهات شیعی و روش اجتهادی تردید موثر بوده است. برای نمونه به چند واقعه موثر و تحول‌بخش اشاره می‌کنیم:

۱- نهضت‌های فکری در جهان اسلام

الف - سید جمال‌الدین اسدآبادی و انتشار مجله عروة الوثقی

از حدود نیمه دوم قرن سیزدهم اسلامی و نوزدهم مسیحی به بعد یک نوع جنبش روشنفکری و به اصطلاح اصلاح طلبانه پس از یک رکود چندقرنی در جهان اسلام آغاز شد. این جنبش منطقه وسیعی از جهان اسلام را از جمله ایران، مصر، سوریه، لبنان، شمال آفریقا، ترکیه، افغانستان و هندوستان فراگرفت. نهضت‌های مزبور تا حدی عکس‌العمل هجوم استعمار سیاسی و اقتصادی و فرهنگی غرب بود و نوعی بیدارسازی و «رنسانس» (تجدید حیات) در جهان اسلام به شمار می‌رود.

به نظر ما حرکت‌های مزبور در درجه نخست به درون جامعه فقها نفوذ کرد و از این رهگذر توانست با استفاده و یا لاقلاً همگون‌سازی نهادهای فقهی و حقوقی با حرکت‌های اجتماعی اصلاحی، توده جامعه را با خود همراه سازد و در اجتماع تحول ایجاد نماید.

بدون تردید یکی از علمداران طرح مسائل جدید به‌طور کلی در الهیات اسلامی از جمله فقه صد ساله اخیر، سید جمال‌الدین اسدآبادی معروف به افغانی است، حرکت سید جمال هم فکری بود و هم اجتماعی، او می‌گفت بایستی رستاخیزی هم در اندیشه مسلمانان به وجود آید و هم در نظامات زندگی آنها.

به گفته وی استبداد و استعمار مروج خرافه‌ها و بدعت‌های دینی است و لذا بدعت‌زدائی و خرافه‌شونی را شرط تحول و اصلاح می‌داند و از این رهگذر یاری فقها و متفکرین

جهان اسلام را نیاز داشت.

شعارهای سید جمال برای توده مسلمان بخصوص نسل جوان بسیار جذاب و موثر بود و از این رهگذر فقها و پیشوایان دینی را با حرکت‌های مردمی مواجه می‌ساخت و آنان را به حل مشکل از طریق صدور فتوا و یا اطلاعیه‌های دینی وامی‌داشت. نقش افکار سید جمال را در تحول اجتهاد، در فتاوی علما برضد مسائل خرافی که از بدعت‌های دینی محسوب می‌شود می‌توان مشاهده نمود.

وی در اثر آشنائی نزدیک با جامعه شیعه و سنی، تفاوت و دوگانگی وضع روحانیت شیعه را با روحانیت سنی به خوبی درک کرده بود. او معتقد بود که روحانیت سنی یک نهاد مستقل ملی نیست و در مقابل قدرتهای استبدادی و استعماری قدرتی به شمار نمی‌رود. همچنین معتقد بود روحانیت سنی وابسته به حکومت‌هایی است که خود قرن‌ها آن را به عنوان «اولوالامر» به جامعه معرفی کرده است، لهذا در جامعه تسنن به سراغ علما نمی‌رفت بلکه مستقیماً به سراغ خود مردم می‌رفت، از نظر او علمای دینی سنی از جهت اینکه بشود از آنها به عنوان پایگاه ضد استبداد و ضد استعمار و نیز اصلاحات دینی و اجتماعی بهره جست، امتیاز خاصی ندارند و مانند سایر طبقاتند، ولی روحانیت شیعه چنین نیست، روحانیت شیعه یک نهاد مستقل است، یک قدرت ملی است، همواره در کنار مردم و در برابر حکمرانان بوده است، و در طول تاریخ چندین نهضت مردمی به سرکردگی پیشوایان روحانی شیعه در برابر حاکمانی که در فقه شیعه اصطلاحاً «حاکمان جور» نامیده شده، صورت گرفته است. از این رو سید جمال در جامعه شیعه اول به سراغ طبقه علما رفت و به آگاه‌سازی آنها پرداخت و این طبقه را بهترین پایگاه برای مبارزه با استبداد و استعمار تشخیص داد.

تأثیر افکار سید جمال را بر فقیهان شیعی نمی‌توان منکر شد. شاهد این امر نامه‌هایی است که سید به علماء شیعه نوشته است، خصوصاً به زعیم بزرگ مرحوم حاج میرزا حسن شیرازی اعلی الله مقامه، و نامه دیگری که صورت بخشنامه دارد و به سران علماء معروف و برجسته شیعه در عتبات و در تهران و مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز و غیره

نوشته است.^(۱)

وی در نامه‌ای که با سبکی حماسی و بسیار محرک به میرزای شیرازی نوشته سعی کرده است ایشان را به اقدامات سریع علیه تصمیمات ناصرالدین شاه برانگیزاند. نامه هر چند خطاب به میرزای شیرازی است ولی گوئی مخاطب واقعی عموم مردمند و جنبه یک اعلامیه دارد. وی به این نکته در آغاز اشاره می‌کند. در قطعه‌ای از نامه آورده است:

«... حق را باید گفت تو رئیس فرقه شیعه هستی تو مثل جان در تن همه مسلمانان دمیده‌ای، هیچ کس جز در پناه تو نمی‌تواند در نجات ملت برخیزد و آنها نیز به غیر از تو اطمینان ندارند. اگر برای گرفتن حق قیام کنی، همه به پشتیبانی تو برخاسته آنگاه افتخار و سربلندی نصیبشان خواهد شد... پیشوای بزرگ!! پادشاه ایران سست عنصر و بدسیرت گشته مشاعرش ضعیف شده بدرفتاری پیش گرفته... خلاصه این مرد تبهکار کشور ایران را طوری به مزایده گذاشته و خانه‌های محمد(ص) و ممالک اسلامی را به اجنبی می‌فروشد... توای پیشوای دین اگر به کمک ملت برنخیزی و آنها را جمع نکنی و کشور را با قدرت خود از چنگ این گناهکار بیرون نیاوری، طولی نخواهد کشید که مملکت اسلامی زیر اقتدار بیگانگان در می‌آید... تو می‌دانی علمای ایران هم سینه‌هایشان تنگ شده شنیدن یک کلمه تو سبب وحدتی می‌شود که این بلاهای محیط کشور را برطرف سازد و دین اسلام را حفظ نموده و جامعه دینی را نگاه بدارد پس همه با تو است و تو نزد خدا و مردم مسئول خواهی بود.»^(۲)

آنگاه سید جمال آنچه به زیان مسلمین توسط شاه ایران انجام گرفته در هفت بند به شرح زیر بر می‌شمرد:

«اما آنچه به زیان مسلمانان انجام داده این است که قسمت عمده کشور و درآمد

۱- رک. مطهری، مرتضی، نهضت‌های اصلاحی صد ساله اخیر. نشر عصر، قم، بی تا، ص ۱۸.

۲- جمالی، سیروس، زندگی و مبارزات سید جمال‌الدین اسدآبادی، انتشارات عطائی، تهران، ۱۳۵۸. صص. ۸۷ به بعد.

آن را به دشمنان فروخته که به تفصیل عبارت است از:

- ۱- کانها و راه‌هایی که به کانها منتهی می‌شود و همچنین خطوطی که از معادن به نقاط مهمه کشور متصل است.
- ۲- کاروانسراهائی که اطراف خطوط شوشه بنا می‌شود (در تمام کشور) به انضمام مزارع و باغستانهائی که در اطراف این راه‌ها واقع است.
- ۳- رود کارون و مسافرخانه‌هایی که در دو طرف این رود (تا منتهی‌الیه آن) ساخته می‌شود و همچنین مراعاتی که تابع رودخانه است.
- ۴- راه از اهواز تا تهران آنچه از ساختمانها و مسافرخانه‌ها و باغستانها و مزارع در اطراف آن واقع است.
- ۵- تنباکو و آنچه لازمه این محصول است (از مراکز کشت زارها، خانه‌های نگهبانان و متصدیان حمل و نقل و فروشنده‌ها، هر کجا واقع شده و هر کجا ساخته شود).
- ۶- جمع‌آوری انگور به منظور ساختن شراب و هر چه از دکان و کارخانه لازم دارد (در تمام کشور).
- ۷- صابون، شمع و شکر و کارخانه‌هایی که لازمه آنها است.
- ۸- بانک (چه می‌دانی بانک چیست) بانک عبارت از این است که زمام ملت را یک‌جا به دست دشمنان اسلام داده و مسلمانان را بنده آنها نموده که سلطنت و آقائی کفار را بر آنها بپذیرند. آن وقت این خائن احمق برای اینکه ملت را راضی نماید دلیل پوچی برای کردار زشت خود اقامه کرده و می‌گوید این‌ها معاهده موقتی است که مدتش از صد سال تجاوز نخواهد کرد چه برهانی برای رسوائی خیانت‌کاران از این بهتر».

سید جمال در پاریس اقدام به انتشار مجله‌ای می‌کند. اولین شماره آن، پنج شنبه ۵ جمادی‌الثانی ۱۳۰۱ قمری مطابق با مارس ۱۸۸۴ منتشر می‌گردد. پشت جلد مجله چنین نوشته بود:

«العروة الوثقی لانفصام له»

مدیرالسیاسة: جمال الدین الافغانی

المحرر الاول: الشيخ محمد عبده

ترسل الجريدة الى جميع الجهات الشرقية.

من شاء ان يبعث الينا بتحرير او رسائل في اى موضوع كان، رغبة نشره في الجريدة او

التنبه على امر مهم فليرسلها الى ادارة الجريدة بهذا العنوان:

Rue Martel a Paris

از مجله فوق، ۱۸ شماره منتشر شد و در ذی الحجه ۱۳۰۱ قمری یعنی پس از هشت

ماه به سبب مخالفت انگلیس با آن متوقف شد.^(۳)

افکار سید جمال بی تردید در عالم اسلام چه در خواص و چه در توده عوام اثر

گذاشت و تلاطمی ایجاد کرد. جریان ترور ناصرالدین شاه به دست میرزا رضا کرمانی

یکی از آن آثار است.

میرزا رضا ناصرالدین شاه را ترور می کند و بلافاصله دستگیر می شود. در بازجویی و

در پاسخ بدین سؤال که آیا سید فتوا به قتل شاه داده بود؟ گفت: خیر، سید به طور کلی

گفته بود که هرکس به مردم ظلم می کند واجب القتل است و من خودم چنین تشخیص

دادم که شاه ظالم است. پس از ناصرالدین شاه، عباس میرزا محرکین قتل شاه را که در

عثمانی به سر می بردند مطالبه کرد و با گرفتن فتوا از فقها محرکین را محکوم به اعدام

کردند. به هر حال صدور فتوای قتل ظالمین توسط سید و متقابلاً فتوای حکم اعدام

محرکین می تواند موج تفکر متقابل را در اجتهاد شیعی نشان دهد.

ب - نهضت فکری محمد عبده در مصر و نظریه جدید فقهی او در خصوص حکومت^(۴)

تجربه نافرجام خلافت مستبد عثمانی و روند روبه انحطاط حکومت باب علی از یک

سو و آشنایی بلاواسطه با اندیشه های نوین فلاسفه سیاسی غرب و تجربه موفق دموکراسی

۳- رک. العروة الوثقی، با مقدمه سید هادی خسروشاهی، ص ۱.

۴- محمد عبده سال ۱۲۶۶ ه ق، در روستای محله نصر واقع در بحیره در مصب رودخانه نیل متولد شد. در ۱۳ سالگی به اجبار پدر به جامع احمدی طنطا رفت که پس از جامع از هر در آن زمان معتبرترین مرکز تعلیمات اسلامی در مصر به شمار می رفت. از روش ناکارآمد آن مرکز خوشش نیامد و آنجا را ترک کرد و نزد دانش که شخصی عارف بود به تربیت عرفانی ادامه داد و سپس به طنطا بازگشت. وی بعدها به شاگردی سید جمال اسدآبادی که به مصر آمده بود سرسپرد. وی در سال ۱۸۷۷ میلادی ۱۲۹۴ ه ق از الازهر فارغ التحصیل شد. در ۱۸۷۹ به بیروت تبعید شد و در ۱۸۸۴ به پاریس آمد و در آنجا اقامت کرد و روزنامه عروة الوثقی را در معیت سید جمال منتشر کرد.

و مشروطه در جوامع غربی از سویی دیگر، راهگشای «محمد عبده» در استنباط مبانی و سازوکار یک حکومت اسلامی از آیات و روایات بود. عبده برای رسیدن به این مقصود بایستی در مبانی فقهی معمول و رایج تجدید نظر می‌کرد.

محمد عبده کسی بود که جوانیش را با سید جمال الدین اسد آبادی گذرانده و شاگرد و دست پروده او بود. نوشته‌هایش در روزنامه الاهرام و دیگر روزنامه‌های آن روز مصر عادات و هنجارهای غلط و جمود و ارتجاع را به چالش کشید. بیشتر افکار سید جمال باقلم عبده نشر یافته است. نشریه‌ای که عروة الوثقی نام داشت در بیروت با قلم عبده انتشار می‌یافت. راز موفقیت این دانشمند اسلامی آن بود که وی اغلب کتابهای علوم انسانی غربیان را مطالعه می‌کرد و با افکار آنان آشنا بود. رشیدرضا که شاگرد برازنده وی بود در زندگی‌نامه که از او نوشته می‌گوید: «او بسیاری از کتابهای دانشمندان غربی را خواند. روزی نبود که خواندن کتاب را ترک گوید... علوم اخلاق و روانشناسی و مبانی جامعه‌شناسی، تاریخ، فلسفه و روش تربیت بیش از سایر رشته‌های علمی مورد توجه او بود.»^(۵) عبده زبان فرانسوی را چنان آموخت که بتواند با آن همچون زبان مادری سخن بگوید. شاهدش ترجمه‌ای است که از اثر اسپنسر به عربی انجام داده است.

مشاهده تجارب محسوس و عینی در امور سیاسی او را قانع ساخته بود که دو عامل به هم پیوسته استبداد حاکمان و جمود و تحجر و تقلید عالمان و به تعبیر خود او «سیاسه الظلمه و اهل الاثره»^(۶) علت اصلی انحطاط فرهنگ و مدنیت جوامع مسلمان است. از این رو او اصلاح اندیشه اجتماعی و آگاه سازی مصریان به حقوق خود در برابر حکومت را رسالت اصلاحی خویش می‌دانست. او خود در این باره می‌گوید: «من از جمله کسانی بودم که ملت مصر را به آگاهی از حق خود در برابر حکومت فراخواندم. حقی که در طول بیست قرن به ذهن مصریان خطور نکرده بود. مردم مصر را به این عقیده فراخواندم که هر چند اطاعت از حاکم واجب است اما او نیز بشری جایز الخطا است. شهوات بر او غلبه می‌کند و جز با گفتار و نصیحت خیرخواهانه و عمل از خطا و غلبه شهوات انجام نمی‌یابد. در حالی این دعوت را آغاز کردم که استبداد در نهایت

۵- محمد رشید رضا، تاریخ الاستاد الامام محمد عبده، ۱۹۳۱ م، بیروت، ج ۱، صص. ۱۰۴ - ۱۰۳.

۶- محمد عماره، الاعمال الکامله للامام الشیخ محمد عبده (۵ مجلد)، دارالشرق، بیروت، ۱۹۹۳ م، ج ۳، ص ۳۲۳.

قدرت و حاکم ستمگر سخت نیرومند بود و مشت آهنین داشت و ملت در برابر او به بردگی تمکین می‌کردند».^(۷)

اولین گام او در این مسیر خارج کردن حکومت اسلامی از هاله قداست و دادن جنبه عرفی و زمینی به آن بود به اعتقاد او خلافت اسلامی از نوع نظام‌های تئوکراسی به مفهوم «سلطان - خدا» نیست. زیرا «سلطان - خدا» کسی است که به موجب حقی که خداوند به او داده، می‌تواند تشریع کند و مردم به دلیل ایمانی که به دین دارند باید از او بی‌چون و چرا اطاعت کنند، در حالی که خلیفه در اسلام در اداره حکومت و جامعه فاقد قدرت تشریع و ملزم به رعایت کامل شرع است. مبنای انتخاب خلیفه همچنین نه ایمان مردمان بلکه بیعت ایشان با او به شرط عدالت و ایجاد امنیت است. لازمه این تنزل از آسمان قدسی به زمین عرفی آن است که بپذیریم حاکم اسلامی انسانی غیر معصوم و خطا پذیر است. و در نتیجه فهم کتاب و سنت در انحصار او نیست. از این رو انتخاب او براساس آرای عمومی و اتکای به عقل جمعی و شورا و نظارت بر عملکرد وی توسط ملت، لازم است. حاکم اسلامی ملزم به اداره کشور براساس کتاب و سنت است و در صورت عدول او از کتاب و سنت و مصالح عامه، امت یعنی همان قدرتی که او را به این مقام گمارده می‌تواند او را برکنار کند.^(۸)

مخالفت عبده با استبداد و تأکید او بر ابتدای حکومت بر اراده مردم و اصل شورا، به معنای پذیرش بی‌چون و چرای الگوی دموکراسی اروپایی نبود، بلکه او با اتکا به تجربه بشری دوران خود می‌کوشید از کتاب و سنت، نظریه حکومت اسلامی را آن‌گونه که در اداره جامعه کار آمد باشد، استنباط کند و تحت عنوان فتوای فقهی ارائه دهد.

نظریه حکومت او بر سه اصل قرآنی، اولی الامر، شورا و امر به معروف و نهی از منکر استوار بود. بررسی این سه مؤلفه علاوه بر تبیین نظریه حکومت از دیدگاه عبده، الگوی آزادی‌های سیاسی و اجتماعی مطلوب در دیدگاه او را مشخص می‌کند.

مقایسه میان نظریات محمد عبده و میرزا حسین نائینی فقیه نامدار شیعی و نظریه پرداز حکومت مشروطیت می‌توانند میزان تاثیرگذاری این‌گونه افکار بر اجتهاد شیعی

۷- احمد امین، زعماء الإصلاح فی العصر الحديث، دارالکتب العربی، بیروت، ص ۳۲۸.

۸- محمد رشید رضا، همان، صص. ۶۸-۶۵.

را نشان دهد.

آنچه اندیشه عبده را پس از جدا شدن از سید جمال و بازگشت به مصر آزار می داد و در جستجوی راه حلی برای آن بود مسئله «اسلام و مقتضیات زمان» بود. عبده در جستجوی راه حلی بود که از طرفی در اثر جمود فکری و قشری مآبی برخی علمای دینی اسلام مانع پیشرفت و تکامل جامعه مصری تلقی نشود و همچنین نیروهائی را از خود مسلمانان علیه اسلامی برنیا انگیزد (همان چیزی که در بسیاری از جامعه های اسلامی صورت گرفت) و از طرف دیگر به نام انطباق اسلام با علم، افراط کاریهایی صورت نگیرد و اصول و مقررات اسلامی با ذوقها و سلیقه های باب روز تطبیق داده نشود (همان کاری که آن هم در میان یک طبقه صورت گرفت) و به شکلی دیگر عملاً اسلام از صحنه خارج نگردد. عبده بر خلاف سید جمال مسئولیتی را احساس می کرد که یک عالم دینی احساس می کند و به این خاطر در پی کشف ضوابطی بود که جلو افراط و تفریط را بگیرد.

از این رو عبده مسائلی را طرح کرده که سید جمال طرح نکرده است. عبده مسائل مهمی را در جامعه فقهی مطرح و بر آن تاکید کرد که تا آن روز به آن صورت مطرح و یا مورد اهتمام نبود. از قبیل:

- فقه مقارن (تطبیقی) از مذاهب چهارگانه؛
- دخالت دادن مبانی فلسفی حقوق در اجتهاد؛
- ایجاد نظام حقوقی جدید در فقه که پاسخگوی مسائل روز باشد؛
- تمایز قائل شدن میان عبادات و معاملات و به عبارت دیگر؛ تمایز قائل شدن میان آنچه به امور معنوی و اخروی مربوط است و آنچه به امور زندگی و دنیائی مربوط است و اینکه فقیه در قسم دوم، حق نوعی اجتهاد دارد که در قسم اول ندارد؛
- تفسیر خاصی از اجماع و اینکه اعتبار اجماع همان اعتبار افکار عمومی است؛
- تاکید بر توجه به اصل شورا در اسلام و اینکه شورا همان اصل دموکراسی است که غرب قرنهای بعد طرح کرده است.^(۹)

۹- مطهری، همان.

«حاصل کار سید جمال و حاصل کار عبده مکمل یکدیگر بوده است، مخصوصاً که هر دوی آنها در ضرورت بازگشت مستقیم به منابع اصلی فکر دینی و توجیه عقلی احکام شریعت و هماهنگی آنها با مسائل عصر و پرهیز از پراکندگی و فرقه‌بازی و پافشاری بر سر احیای اجتهاد و کوشش برای شناخت روح و جوهر دین اسلام در ورای قواعد خشک و بینش قشری علمای چاکر حکومت، همدستان بودند، و همین خواستها و آرزوها بود که به نام اصول اساسی تجددخواهی سنی پذیرفته شده».^(۱۰)

به نظر می‌رسد سید جمال و پس از وی عبده بر امری تاکید کرده‌اند که بعدها در حوزه‌های شیعی تاثیر آن را به وضوح می‌بینیم و آن این است که اسلام واجد نظام کاملی است که می‌تواند زندگی دنیوی و اجتماعی انسانها را اداره کند. مقایسه میان تفسیر المیزان اثر علامه سید محمد حسین طباطبائی (۲۰ مجلد) از حوزه علمیه قم - ایران، و تفسیر المنار، تقریر درسهای تفسیر شیخ محمد عبده به قلم رشید رضا (۱۴ مجلد) که قبل از المیزان منتشر شده، نشان دهنده تاثیر عمیق آثار عبده در حوزه‌های شیعی است. علامه طباطبائی نخستین متفکر شیعی است که المیزان سعی دارد نشان دهد که اسلام واجد یک نظام کامل و طرح جامع برای اداره جامعه بشری است. به نظر ما وی در این خصوص از عبده مصری متأثر است، هرچند که در بسیاری موارد خاص نظریات متفاوت دارد.

ج - فتاوی رشیدرضا

محمد رشیدرضا شاگرد دست‌پرورده محمد عبده و متأثر از افکار وی در سال ۱۸۹۸ در قاهره اقدام به انتشار مجله‌ای می‌کند تحت عنوان «المنار». وی این عنوان را از حدیث شریف نبوی اقتباس کرده بود که فرموده است: ان للاسلام صوئ و مناراً کمثار الطريق. «صوئ» جمع الصوه و عبارت است از سنگی که برای راهنمایی رهروان در میان جاده‌ها می‌نهادند و منار علمی را گویند که برای جدائی دو حدود مرز قرار می‌دادند. محمد عبده امیدوار بود که این مجله مبنایی شود برای راهنمایی مسلمین و جایگاهی برای تابش نور حقیقت، که امت اسلامی در زندگی ملی و اجتماعی خویش به آن محتاج

بود و هست و در واقع هدفش از انتخاب این شعار برای عنوان مجله رسیدن به چنین مهمی بود.^(۱۱)

وی در سال ۱۳۲۰ هـ. ق مطابق ۱۹۰۲ میلادی از شماره ۱۷ فصلی را تحت عنوان «باب السؤال والفتوى» در مجله دایر نمود که به تدریج عنوان «فتاوی المنار» بر آن نهاده شد. «وی در این فتاوی منابع خود را قرآن و سنت و سپس عقل معرفی کرد. او معتقد بود اسلام دینی است که در جمیع امور با عقل موافقت دارد. و به وسیله این فتاوی می‌خواست نشان دهد که احکام اسلام با هر عصر و زمانی موافقت دارد. وی در پاسخ به سوالات مدنی و ورخدادهای جدیدی که سابقه‌ای در عصر اول اسلامی نداشت، مبنا و منبع خود را نهادهای زیر قرار داد:^(۱۲)

۱- نصوص شرعیه

۲- حکمت تشریع

۳- قواعد عامه بخصوص قواعد مسلمة، از قبیل:

الف - قاعده یُسَر

ب - قاعده دفع حرج

ج - قاعده نفی ضرر و ضرار

د - قاعده جلب مصالح

هـ - قاعده دفع مفساد

با انتشار مجله المنار حاوی فتاوی شیخ رشیدرضا، استفتا از سوی مسلمین سراسر جهان حتی مسلمانان روسی آغاز شد. تعداد فتاوی‌ای که تا زمان قریب به فوت وی جمع‌آوری گردید حدود ۱۰۰۰ فتوا است که مجموعه آنها در سال ۱۳۹۰ هـ. ق. مطابق ۱۹۷۰ میلادی در بیروت و در ۶ مجلد با تحقیق صلاح‌الدین المنجد و یوسف، ق. خوری به چاپ رسیده است.

البته همه سوالات و وظائف عملیه محض نیستند، بلکه برخی مربوط به اعتقادیات و برخی دیگر مربوط به دفع خرافات و بدعتهای دینی است، ولی در عین حال قسمت

۱۱- نک. مقدمه فتاوی رشیدرضا به قلم صلاح‌الدین المنجد، دارالکتب جدید، بیروت، ۱۹۷۰ م، ص ۱۴ به نقل از مجلد ۱۰ المنار.
۱۲- همان، ص. ۲۴.

عمده اختصاص به مسائل فقهی به معنای خاص دارد. مطالعه فتاوی رشیدرضا نشان می‌دهد که در آن ایام تحول عظیمی در نحوه تفکر فقیهان اهل سنت رخ داده است، ضمن آنکه فتاوی مزبور با شجاعت کامل صادر گردیده و در صدور فتاوی از جوسازی مخالفین هراسی نشده است. برای نمونه در جلد اول سوال ۱۲ آمده است:

«حدیثی از رسول الله (ص) نقل است که: لا تعلموهن الكتابه ولا تنزلوهن الغرف به این معنی که، زنان را کتابت نیاموزید و آنان را در اتاق‌های بالا مرتبه جای ندهید. نظر شما در مورد این حدیث چیست؟»
رشیدرضا در پاسخ می‌نویسد:

«این حدیث از عایشه و از طریق عبدالوهاب بن ضحاک نقل شده است و این مرد جعال و دروغ‌گوست. از طریق صحیح نقل شده که رسول الله (ص) به زوجه‌اش حفصه کتابت آموخت.» (۱۳)

ظاهراً صدور این فتوا از ایشان عده‌ای از متعصین را برانگیخت. شخصی به نام مختار بن الحاج احمد مویّد العظمی رساله‌ای در رد شیخ رشیدرضا تحت عناوین (تفلیس ابلیس من تحریر المرأة و رفع الحجاب و یا «فصل الخطاب») تالیف نمود و در آن رساله نویسنده ادعا کرد که حدیث منقول در حرمت آموزش کتابت و اسکان زنان در طبقات بالای خانه متواتر است، لذا مدتی بعد شخصی از ایشان سوال می‌کند و نظر ایشان را در مورد مطالب کتاب مزبور می‌پرسد و شیخ با قاطعیت و بدون هرگونه هراس از غوغای مخالفان خود و با اعتماد بر تحقیقات عمیق و محکم خویش می‌نویسد:

«ان مولف ذالك الكتاب جاهل بالحديث والشرع فلا يعتد بقوله. وقد اخذ قوله عن امثاله من العامه. وانا لم نقرأ من كتابه المذكور حرصاً على الوقت ان يضيّع منه شیی فی قرائة لغوالمعتدين على العلم والدين بغرورهم.... وتنصح لكم بان لا تعتمدوا على ای حدیث فی ای کتاب لای مولف اذا لم يذكر تخريجه عن الحافظ المعروفين. و كيف ينهی رسول الله (ص) عن اسكان الغرف والله تعالى يقول اسكنوهن من حيث سکنتم من وجدکم ولا تضاروهن لتضيقوا عليهن.» (۱۴)

۱۳- همان، ج ۱، ص ۶۶ به نقل از مجله المنار، ج ۶، سال ۱۹۰۳، ص ۷۰۴.

۱۴- سوره طلاق، (۶۵) آیه ۶.

یعنی: «مؤلف کتاب مزبور نسبت به حدیث و دین نادان است و بنابراین گفته‌اش واجد هیچ‌گونه ارزشی نمی‌باشد. این نادان گفتارش را از عوام الناسی همچون خویش وام گرفته است. ما این گونه کتابها را نمی‌خوانیم زیرا برای وقت خویش ارزش قائلیم. ما نگرانیم که با خواندن این گونه کتابهای بیهوده که توسط فریب‌خوردگان تجاوزگر به دانش و دین نگاشته شده و قتمان ضایع گردد!! ما به شما نصیحت می‌کنیم که به هر حدیثی در هر کتابی و از هر مولفی مادام که اصل آن را مراجع معتبر تایید نکرده‌اند اعتماد نکنید. چگونه ممکن است رسول الله (ص) اسکان زنان را در طبقات بالا نهد در حالی که قرآن مجید به صراحت تمام دستور فرموده که زنان باید در کنار همسرانشان و در یکجا سکونت کنند و هیچ مردی مجاز نیست که اندک تضيیعی بر همسرش وارد سازد، این نادانان نسبت به فهم قرآن و تطبیق سنت بر آن آشنائی ندارند».

نگارنده به هیچ‌وجه در مقام نقد و یا تایید ماهیت سوال و پاسخ شیخ نمی‌باشد. آنچه نظر نگارنده را جلب کرده شجاعت یک فقیه و نقش او در روشنگری امت و تحول فقه و اجتهاد اسلامی است.

در سوال دیگری که در مورد عقاید گروه خاصی از فرق و حکم شرعی رفتار با آنان پرسیده شده، شیخ با کمال تسامح و تساهل نوشته است:

«لا یضرنا معشر المسلمین ان نوافق النصارى فی بعض عقائدهم فالاصل موافقه جمیع الادیان فی العقائد، ولولا تحریف الامم واضاعتهم لما خالف نبی من قبله من الانبیاء...» (۱۵)

یعنی: «ما امت اسلامی مشکلی نداریم که با برخی عقاید مسیحیان همراهی و موافقت نماییم. اگر امت‌ها در آموزه‌های ادیان دستکاری و تحریف نمی‌کردند هیچ پیامبری با عقیده پیامبر پیشین مخالفتی نمی‌کرد».

۲- صدور فتوای تنباکو

ناصرالدین شاه در سومین سفرش به اروپا درباره واگذاری امتیاز توتون و تنباکو با

یک شرکت انگلیسی مذاکره کرده بود، اما قرارداد نهایی پس از بازگشت او از اروپا بسته شد. شاه قاجار که پیش از آن نیز امتیازهایی را به بیگانگان فروخته بود، در ازای دریافت ۲۵ هزار پوند قرارداد پرداخت سالانه ۱۵ هزار پوند و ۲۵ درصد از سود حاصل از انحصار توزیع و صدور تنباکو را به مدت ۵۰ سال به ماژور تالبوت انگلیسی، امضاء نمود.

اعتراض‌های مردمی به این اقدام در اندک‌زمانی با حضور نمایندگان کمپانی تالبوت در شهرهای مختلف، همه‌گیر شد. بازار شیراز به نشانه اعتراض بسته شد و یکی از علمای آن شهر تکلیف مسلمانان را «جهاد» دانست.

در تبریز مردم راهپیمایی ۲۰ هزار نفری برگزار کردند و در شهرهای دیگر نیز اعتراض‌ها گسترش یافت.

نکته مهمی که در این اعتراض‌ها به چشم می‌خورد، حضور علما به‌عنوان رهبران اعتراض‌ها بود.

روحانیون برجسته سراسر کشور به نهضت تنباکو پیوسته بودند. در تبریز حاجی میرزا جواد، در اصفهان آقا نجفی و در تهران میرزا محمد حسن آشتیانی رهبری اعتراض‌ها را برعهده داشتند، اما نقش مهم‌تر را مجتهد بزرگ ساکن عراق «میرزا محمد حسن شیرازی» برعهده گرفت. او نخست در نامه‌ای به شاه به بیان زیان‌های این قرارداد پرداخت و از او خواست که این قرارداد را لغو کند. شاه که گمان نمی‌کرد این قرارداد با چنین واکنش‌هایی روبه‌رو شود، در نخستین عقب‌نشینی خود، امتیاز فروش در داخل کشور را از کمپانی پس گرفت و امتیاز را منحصر به صادرات تنباکو و توتون به کشورهای دیگر کرد.^(۱۶)

او احتمالاً فکر می‌کرد با این اقدام به بخش زیادی از اعتراض‌ها که از بازار برخاسته، پایان می‌دهد، اما اعتراض‌ها همه‌گیرتر از آن بود که با دادن امتیاز به بخشی از مردم، فروکش کند. میرزای شیرازی که عقب‌نشینی شاه قاجار را کافی ندانسته بود، حکم به تحریم تنباکو و توتون داد.

۱۶- کسروی، تاریخ مشروطه ایران، صدای معاصر، تهران، ۱۳۷۴، صفحه ۱۶.

متن فتوای میرزا چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم، اليوم استعمال تنباکو و تنن بای نحوکان در حکم محاربه با امام زمان است عجل الله تعالی فرجه. (۱۷)

در اندک زمانی فتوای میرزای شیرازی به مدد تلگراف - که از محصولات اصلاحات دوره سپهسالار بود - به دیگر شهرهای کشور رسید. مغازه‌های توتون و تنباکو فروشی بسته شدند و قلیان‌ها و چپوق‌ها به کناری نهاده شدند. (۱۸) مردم قلیان‌ها را در میدان جمع کردند و آتش زدند. ناصرالدین شاه نیز که به دلایل سیاسی عقب نشینی بیشتر را به صلاح حکومتش نمی‌دید، چاره را در به کار بستن سیاست قدیمی و همیشگی قاجار دید، او فکر کرد بهترین راه تفرقه افکنی است. شاه قاجار برای میرزا محمد حسن آشتیانی عالم طراز اول تهران پیام فرستاد که یا در میان مردم قلیان بکشد و فتوای میرزای شیرازی را نادیده انگارد و یا از تهران برود. آشتیانی در پاسخ به این پیام، راه دوم را برگزید و آماده رفتن از تهران شد. خبر در مدتی کوتاه در شهر پیچید و انبوهی از مردم پیرامون قصر سلطنتی گرد آمدند و گروهی قصد ورود به قصر را کردند که با شلیک گلوله سربازان روبه رو شدند و هفت تن جان خود را از دست دادند و عده‌ای دیگر زخم برداشتند.

با این همه کار پایان نیافت و شورش رفته رفته گسترش می‌یافت که ناصرالدین شاه تسلیم شد و قرارداد را لغو کرد. (۱۹)

۳- وقوع دو جنگ جهانی

در ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۴ اتریش و مجارستان به صربستان اعلان جنگ کردند و این جنگ باعث به راه افتادن جنگی عالمگیر شد که سرانجام در ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸ به موجب متارکه نامه منعقد شده بین آلمان و متفقین، خاتمه یافت. این جنگ را جنگ بزرگ نامیده‌اند که منشأ آن، رقابت دولت‌های بزرگ بر سر مستعمره‌ها و مسائل نظامی

۱۷- رساله دخانیه، حکیم حاج ملا محمدعلی هیدجی، به اهتمام علی اکبر ولایتی، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی، تهران، ۱۳۸۱.

۱۸- کسروی، همان، صفحه ۱۶.

۱۹- کسروی، همان، صفحه ۱۷.

و ملی بود.

در جنگ جهانی دوم هم که یکی از بزرگترین و پرهزینه‌ترین جنگ‌های مسلحانه در جهان می‌باشد اکثر ملتهای جهان درگیر بودند.

وقوع جنگهای جهانی، کشورهای اسلامی را نیز درگیر کرد. آغاز جنگ جهانی اول با حضور کشورهای روس، فرانسه و انگلیس به نام «دول متفق» و کشورهای اتریش و آلمان به عنوان «دول محور» و پیوستن عثمانی، ایتالیا و ژاپن به گروههای متخاصم، جهان اسلام را نیز درگیر محاربه‌ای بزرگ و خانمانسوز کرد و ایران آن روزگار را به مناسبت برخورداری از موقعیت ژئوپولیتیکی، دور از معرکه نگذاشت با وجود آنکه ایران در زمان سلطنت احمد شاه قاجار و صدارت میرزا حسن مستوفی الممالک بی‌طرفی خود را به دول متخاصم اعلام کرد اما نیروهای درگیر در جنگ این بی‌طرفی را عملاً و مکرراً نقض کردند و از این رهگذر خسارات فراوانی به کشور وارد آمد.

۴- سقوط دولت عثمانی

جنگ جهانی دوم دولت عثمانی را ساقط کرد. دولتی که با توجه به توسعه قدرت بایستی امپراطوری عثمانی‌اش بنامیم. امپراطوری عثمانی پس از سقوط به چند کشور کوچک تبدیل شد که از این رهگذر روابط مختلفی از نوع دوستانه و یا خصمانه پدید آمد.

۵- نهضت مشروطیت در ایران

در آغاز قرن نوزدهم، پس از تحولات اقتصادی، اجتماعی و در نتیجه دگرگونی‌های عظیم در حوزه اندیشه اجتماعی و سیاسی اروپای قرن هفدهم و هجدهم، نظام جدید اجتماعی و سیاسی مبتنی بر دموکراسی، تقریباً در سراسر قاره اروپا استقرار یافت. در انگلستان و در سال ۱۸۶۸ میلادی دومین قانون آزادی حق رای درانتخابات Second suffrage act و در سال ۱۸۸۴ میلادی قانون حق رای انسان‌ها برای انگلیس manhood suffrage for England به اجرا درآمد. طی سال‌های ۱۸۷۰-۱۸۵۹ میلادی ایتالیا که تا پیش از آن به هفت بخش مجزا تقسیم شده بود به

اتحادیه‌ای دارای قانون اساسی واحد تبدیل شد. دانمارک در سال ۱۸۶۴ م. اتریش، مجارستان در سال ۱۸۶۹ م. و آلمان در سال ۱۸۷۱ م. به کشورهای دارای نظام مشروطه تبدیل شدند. در فرانسه پس از یک دوره تجربه خودکامگی ناپلئون سوم طی سال‌های ۱۸۷۰-۱۸۵۱ جمهوری سوم در سال ۱۸۷۰ م. شکل گرفت و در روسیه موج مشروطه‌خواهی در سال‌های ۱۸۶۰ و ۱۸۷۰ میلادی اوج گرفت.

همجواری جغرافیایی ایران و روسیه و رفت و آمد مستمر ایرانیان مهاجر و ساکن قفقاز در این دوره تاثیر بسزایی بر افکار ایرانیان داشت.

این تاثیر تا آن حد بود که برخی محققان، انقلاب مشروطه روسیه را سرمشق و الگوی انقلاب مشروطه ایران دانسته‌اند.^(۲۰) بنابراین جنبش مشروطه‌خواهی در کشورهای اسلامی و انقلاب مشروطه ایران را باید ادامه جنبش مشروطه‌خواهی اروپا در قرن نوزدهم دانست. این حقیقتی است که نه تنها روشنفکران عرفی عصر مشروطه، بلکه رهبران دینی مشروطه در ایران و دیگر کشورهای اسلامی نیز بدان آگاهی داشتند. علامه نائینی در تنبیه الامه و تنزیه المله خود که یکی از مهمترین رساله‌های دوره مشروطیت به‌شمار می‌آید، به فیلسوفان سیاسی غرب که نظریه نظام سیاسی بر پایه آزادی و برابری را ارائه کرده و برای جلوگیری از گرایش حکومت به استبداد، اصل نظارت عامه و پارلمان را بنیاد نهاده بودند، آفرین می‌گوید و از اینکه فقهای اسلام به رغم وجود آموزه‌ها و تعالیم مناسب در منابع و متون دینی و به رغم تبخّر در استخراج و تاسیس آن همه قواعد، در این زمینه غفلت کرده‌اند، ابراز تاسف می‌کند.^(۲۱)

تاثیر عوامل اجتماعی بر تحولات اجتهاد شیعی:

هریک از عواملی که بر شمرده شد به نحوی بر اجتهاد شیعی اثرگذار است. تاثیر عوامل مزبور را می‌توانیم در دو بخش از حقوق اسلامی مشاهده نماییم:

الف - بخش فقه سیاسی و یا به اصطلاح امروز حقوق عمومی مباحث جدیدی را

۲۰- حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۰، ص ۱۹.

۲۱- نائینی، محمد حسین، تنبیه الامه و تنزیه المله، با مقدمه و پاورقی سید محمود طالقانی، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸، ص ۸۸.

برای فقیهان طرح کرد. برای نمونه به فتاوی زیر که در قرن معاصر صادر شده توجه فرماید:

۱- تأثیر فتوای تحریم تنباکو در اجتهاد شیعی

صدور فتوای تحریم تنباکو توسط میرزا حسن شیرازی، مرجع تقلید شیعیان ساکن سامرا که منجر به لغو قرارداد معروف به رژی گردید، قلمرو مرجعیت شیعه را توسعه بخشید. صدور فتوای تنباکو یک اقدام فقیهانه بود که مبتنی بر متد اجتهاد شیعی صورت گرفت. نگارنده از موثقین با وسایط دقیق شنیده است^(۲۲) که وقتی میرزای شیرازی می‌خواست فتوای تحریم تنباکو را صادر کند یک ماه رمضان شب‌ها موضوع را مانند یک بحث فقهی مورد بحث قرار می‌داد و از همه علما و محققین حلقه درس خود دعوت می‌کرد که در این بحث تفقه کنند و مخالف و موافق سخن بگویند. شاگردان ایشان در آن زمان هر کدام از فقیهان بزرگ محسوب می‌شدند که در رأس همه سید محمد فشارکی جداً طرفدار آن بود که هر چه زودتر فتوای تحریم صادر گردد. میرزای شیرازی هر شب خودش در جلسه بحث شرکت می‌کرده و مدیریت بحث را به عهده داشته و بر دلایل موافقین نقد و خدشه وارد می‌ساخته است. موافقین با ذکر دلایل و با ارائه براهین محکم فقهی سعی داشتند وی را قانع کنند، که سرانجام چنین شد و فتوای تاریخی صادر گشت.^(۲۳)

مشروح مذاکرات و مباحثات جلسات مزبور اینک در دسترس ما نیست تا ببینیم چه عناوین فقهی‌ای مورد گفتگو قرار گرفته است، ولی با امعان نظر و حسب اعتماد به متد و روش اجتهاد شیعی می‌توان فتوای مزبور را به شرح زیر توجیه کرد:

۲۲- مطلب فوق را نگارنده از دانی بزرگ گرامی خود مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری شنیده است که ایشان مستقیماً از والد معظمشان حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی موسس حوزه علمیه قم که از فضلا و محققین آنروز مکتب سامرا بوده‌اند، نقل می‌کردند.

۲۳- نگارنده سعی فراوان کرد که سند معتبری بیابد نشاندهنده آنکه متن قرارداد رژی به زبان عربی و یا فارسی در دسترس میرزای شیرازی بوده است، ولی تا تاریخ نگارش این سطور با کمال تأسف به چنین سندی دست نیافت، هرچند که با توجه به سند فوق که نشاندهنده دقت و وسواس میرزاست بعید میدانم که میرزا به نامه سید جمال و تظاهرات مردمی اکتفا کرده باشد و بدون مطالعه دقیق قرار داد و آگاهی کافی بر کم و کیف آن که مقتضای مرجعیت واجد شرایط است اقدام به چنین امری نماید.

فتوای تنباکو عبارت بود از حکم به تحریم استعمال دخانیاتی که ورود آن در انحصار دولت غیرمسلمان بود. به نظر طرفداران تحریم این موضوع مستلزم وابستگی مردم مسلمان به کفار و در نتیجه تسلط کفار بر مسلمین، و رکون مسلمانان بر ملت کفر بود و حسب دو قاعده فقهی، اعمالی که موجب این گونه لوازم باشد شرعاً حرام و ممنوع است، یکی قاعده معروف به قاعده منع سبیل است که با استناد بر آیه شریفه لن یجعل الله للکافرین علی المسلمین سیلاً^(۲۴) فقها نظر بر تحریم هرگونه اعمال و رفتاری داده‌اند که منتهی به تسلط کافران بر جامعه اسلامی گردد. و قاعده دوم مستند است به آیه شریفه ولا ترکوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار.^(۲۵) به موجب این قاعده فقها نظر بر حرمت و منع هرگونه عملی داده‌اند که مصداق رکون یعنی تکیه و اعتماد به کفار باشد. به هر حال علی القاعده دلایل طرفداران صدور فتوا قواعد فقهی مزبور و یا نظیر آنها بوده و دلایل طرف مقابل باز هم علی القاعده طرح شبهه مصداقی در خصوص وضعیت و شرایط موجود و یا احتمال بروز و ترتب خسارات اقوی بر یک چنین تصمیمی بوده است.

این گونه جلسات که بی تردید بازتابش در تمامی حوزه‌های علمی وسیع بوده، در تحول فقه و اجتهاد اثر مستقیم داشته است. مباحث مطروحه، موضوع بحث همه طلاب و فضلاء حوزه سامرا قرار داشته و حسب نقل و سناط موثق، فریاد مباحثه، گاه در معابر عمومی نیز شنیده می شده است.

با صرف نظر از هرگونه جانبداری نسبت به هرکدام از طرفین بحث، آنچه مورد نظر نگارنده می باشد جلب توجه دانش پژوهان به چگونگی تاثیر رخدادهای روز بر تحول فقه است. نمی توان انکار نمود که استنباط از منابع فقهی، حکمی شرعی برای مقاومت مدنی ملت مسلمان است در مقابل آنچه فقیهان تسلط کفار می دانسته‌اند و امری قابل توجه است و نشان دهنده توان بالای یک نظام حقوقی همین که برای فقیهان زمان این سخن مطرح شده که چگونه می توان با استفاده از منابع فقه مردم را به سوی یک مقاومت منفی وسیع سوق داد امری کاملاً قابل توجه است.

با موفقیت فتوای میرزای شیرازی و شکست استعمار انگلیس و لغو قرارداد، کاملاً

۲۴- سوره نسا، آیه ۱۴۱.

۲۵- سوره هود، آیه ۱۱۳.

آشکار شد که تاثیر مقاومت منفی در مبارزات، چه بسا به مراتب بیشتر و موثرتر از مقاومت مثبت مسلحانه و امثال آن می تواند باشد. درست همان شیوه ای که گاندی در هند پیشه کرد و استقلال هند را برای ملت هندوستان به ارمغان آورد.

۲- حکم فقهی مقاومت مسلحانه در مقابل کفار

با فوت میرزا حسن شیرازی حوزه سامرا منحل شد و فارغ التحصیلان آن بعضی رهسپار نجف شده و برخی به کربلا عزیمت کردند و در آن اماکن که در آن روزگار هر کدام دارای حوزه ای بودند اقامت نمودند. میرزا محمد تقی حائری شیرازی معروف به میرزای دوم از فارغ التحصیلان حوزه سامرا که از شاگردان ممتاز و مبرز میرزا حسن شیرازی به شمار می آمد، بعد از میرزای بزرگ شیرازی به دلیل کمالاتی که داشت به عنوان جانشین و مرجع تقلید شیعیان جهان برگزیده شد. در دوره مرجعیت وی رخدادهای زمان موجب صدور فتاوی جدیدی از سوی وی شد که می تواند نقطه عطف تحولات فقهی محسوب گردد.

در جنگ جهانی دوم دولت عثمانی که هم پیمان آلمان بود شکست خورد و انگلستان بر مناطق تابعه دولت عثمانی از جمله عراق مسلط شد. در این بین که دولت انگلیس ملت عراق را مجبور کرده بود تا نماینده دولت بریتانیا «سرپرستی کاکس» را به عنوان رئیس حکومت عراق بپذیرد، میرزا محمد تقی شیرازی فتوایی صادر کرد و به صراحت اعلام کرد «انتخاب غیر مسلمان به حکومت مسلمان جایز نیست» (ان المسلم لایجوز له ان یختار غیر المسلم حاکما) وی هم زمان با صدور فتوای مزبور به تشکیل محافل سری با حضور علماء و روحانیونی از جمله شیخ مهدی خالصی، سید هبة الدین شهرستانی و سید ابوالقاسم کاشانی اهتمام نمود و با دعوت مردم بغداد، کاظمین، نجف، کربلا و دیگر شهرها بر تظاهرات آرام و گسیل نمایندگان مردم به بغداد آنها را رهبری نمود و در این جریان با صدور نامه ای مردم شهرها و روستاها را به بغداد کشانید. این گونه اقدامات مستلزم هزینه های مالی نسبتاً سنگینی بود که میرزا محمد تقی با صدور فتوا دستور داد هزینه مجاهدات از زکات تامین شود. این امر خود نشان یک حرکت فقهی بود.

میرزا محمد تقی در این زمان بیانیه دومی صادر کرد که در آن آمده بود: «بر مردم عراق استیفای حقوق خود واجب است، در خلال اقدامات خود صلح و امنیت را در نظر داشته باشند اما در صورتی که دولت انگلیس از پذیرفتن پیشنهادهای آنان سرباز زد مردم می‌توانند از سلاح استفاده کنند و با دشمن خود بجنگند».

فتوای فوق که حاوی حکم نهضت مسلحانه برای گرفتن حقوق ملت است، تحول عمیقی را در تفکر فقهی شیعی نشان می‌دهد و می‌تواند نقطه عطفی برای تحولات اجتهاد در زمینه حقوق عمومی محسوب شود. جالب است گفته شود که حسب اسناد و مدارک موثق تأثیر فتوای مزبور به شیعیان محدود نشد، بلکه طیف وسیعی یافت. در پی صدور این نامه مردم از حالت تدافعی به حالت تهاجمی در آمدند و ملت عراق یکپارچه در مقابل استعمار بریتانیا مقاومت نمود و نهضت بزرگی استوار گشت که اگر چه ۴ ماه بعد از آن میرزا محمد تقی رحلت کرد اما نهضت مقاومت همچنان با رهبری شاگردان وی ادامه یافت.

البته بایستی به این نکته توجه داشته باشیم که صدور فتوای فقیهان شیعی مبتنی است بر اصول و قواعدی خاص و روشن، هر چند که به دلیل مفتوح بودن باب اجتهاد، هریک از مجتهدان می‌توانند در عصر خویش، بر اساس مقتضیات زمان، فتوایی صادر کنند که منطبق است با شرایط و اوضاع و احوال که چه بسا ممکن است به ظاهر و در بادی امر، متفاوت و مغایر با فتوای دیگری به نظر برسد.

مثلاً فتوای صادره از سوی میرزا محمد تقی شیرازی در مورد عدم جواز انتخاب غیرمسلمان از سوی مسلمانان برای حکومت بر مسلمین در مقایسه با فتوای سیدبن طاووس فقیه شیعی قرن هفتم هجری (۶۶۴ م.) به ظاهر ناسازگار است.

مورخین نوشته‌اند، زمانی که هلاکو بر بغداد مسلط شد. علمای شیعه و سنی بغداد را گردآورد و یک سوال از آنان کرد و نظر فقهی آنان را جویا شد. آن پرسش این بود: آیا برای حکومت بر شما حاکم عادل کافر بهتر است یا حاکم مسلمان ظالم؟ سید بن طاووس که آن روز فقیه شیعی و رئیس حوزه حله به شمار میرفت پاسخ داد حکومت

حاکم کافر عادل برای ما بهتر است از حکومت مسلمان ظالم!!^(۲۶)

بی‌گمان نمی‌توان گفت که فتوای فوق به معنای رضایت فقهای شیعه به حکومت مغولان غیر مسلمان بر سرزمین مسلمان است و به هیچ وجه شرائط صدور فتوا را نمی‌توان واحد دانست، زیرا ناگفته پیداست که در زمان سید بن طاووس امر مردم مسلمان دایر بوده میان حکومت فردی مانند معتصم عباسی که بجز نامی از اسلام چیز دیگری از مسلمانی نداشت و تحت همین نام و نشان هرگونه بیداد را خودسرانه بر مردم مسلمان روا می‌داشت و حکومت فردی غیرمسلمان که توسط وزیری فقیه، حکیم و دانشمندی مسلمان مانند خواجه طوسی که به هر حال در آن مقطع تاریخی به انضباط و رعایت ضوابط نسبتاً محدود شده است.

۳- فتوای مقاومت مسلحانه توسط سید عبدالحسین لاری

سید عبدالحسین موسوی دزفولی رکنی از شاگردان میرزای شیرازی و فارغ‌التحصیلان حوزه سامرا، در زمان میرزا به دعوت مردم لارستان فارس و توصیه استادش در منطقه مزبور اقامت می‌کند. او مجتهدی است که از نیروی فقاہت خویش برای به صحنه سیاست کشاندن فقه و تمشیت امور دنیوی مردم بهره‌شایانی گرفته و برای توسعه فقه، استنباطات صریحی ارائه داده است. صدور فتاوای فقهی سیاسی ایشان نشان‌دهنده تحول شگرفی است که در این مقطع تاریخی برای فقاہت شیعی روی داده است.

وی برای بسیج مردم منطقه و مقاومت مسلحانه علیه نیروهای انگلیس از فتوا بهره می‌گیرد. سید لاری چندین بار با انگلیسی‌ها رویارویی می‌کند. بار اول داستان بدین قرار بود که دولت انگلیس عده زیادی مبلغ مسیحی را به ایران اعزام می‌دارد. سید لاری طی فتوایی حکم اخراج مبلغان مسیحی را صادر می‌نماید. همچنین حکم می‌دهد تا کتاب گمراه‌کننده آنان جمع‌آوری شده، از بین برود.

بار دیگر در اعلامیه‌ای می‌نویسد:

۲۶- رک. جعفریان، رسول، تاریخ ایران اسلامی، دفتر سوم (از یورش مغولان تا زوال ترکمانان)، موسسه فرهنگی اندیشه معاصر، ۱۳۷۹، ص ۶۴.

«اعلان می‌شود به هر جاکه بر هرکس از فرق ششصد کرور مسلمین داخله و خارجه حتی بر صبیان و نسوان واجب فوری است جهاد و دفاع روس و انگلیس و اعوان این کفار و سد ابواب طمع و بهانه. مالیات و گمرک و قرنطینه و تذکره و گرفتن اسلحه از مسلمانان و همچنین سد ابواب فرار و جای قرار بر این کفار و اعوان این کفار از هر گوشه و کنار و کوچ و بازار بدون امهال و انظار جز به عذاب النار و خزی عار و صغار و عبره لاولی الابصار...»^(۲۷)

به هر حال مجتهد لارستان وقتی در مبارزه با انگلستان پیروز می‌گردد تصمیم به تشکیل حکومت بر مبنای ولایت فقیه می‌گیرد. وی در ناحیه لارستان طی بیانه‌ای وجوب انحلال رژیم سلطنتی قاجار را صادر می‌نماید، متن فتوا چنین است:

(واجب است تبدیل سلطنت امویه قاجاریه به دولت حقه اسلامی). قابل ذکر است که این اقدام قبل از تشکیل مشروطیت در ایران است. جالب اینکه میرزای شیرازی فقیه مرجع تقلید مقیم سامرا وقتی از اقدامات سید مطلع می‌گردد، به‌منظور تایید اقدامات وی و سپاسگزاری از او نامه‌ای به وی می‌نگارد.^(۲۸)

همچنین سید طی حکمی مردم را از دادن مالیات به دولت مستبد مرکزی منع نمود و پرداخت آن را تحریم کرد^(۲۹) و با چاپ تمبر برای حکومت اسلامی با پرداخت وجه به پست مرکزی و کاغذهای بهادر آن مقابله نمود. روی تمبرها «پست ملت اسلام» نگاشته شد تا از تمبرهای دوره قاجار تمیز داده شود.

نصب ائمه جمعه برای شهرها و قصبات مجاور از دیگر کارهای سید لاری است. هر روز وسعت حکومت اسلامی افزایش می‌یافت تا آنجا که بندرعباس، بندر لنگه، بوشهر، استان کرمان و فارس زیر نظر حکومت اسلامی قرار گرفت.

خلاصه آنکه در مدتی کوتاه سید لاری موفق می‌شود که بخشی از ایران را از حکومت سلطنتی مرکزی جدا و به مشروطه مشروعه تبدیل سازد.

فتوای دیگر ایشان این بود که چون تجارت و بازرگانی با روس و انگلیس را به زیان

۲۷- مجموعه رسائل، چاپ کنگره بزرگداشت آیت الله سید عبدالحسین لاری، ج ۱۰، ص ۲۷۲.

۲۸- رکذ. ولایت فقیه، زیر بنای فکری مشروطه مشروعه، سید محمد تقی آیت اللهی، ص ۱۶۰.

۲۹- کتاب آبی، به‌کوشش احمد بشیری، ج ۲، ص ۳۵۳ و ۴۳۱.

امت اسلامی می‌دانست، استعمال چای، قند، ادویه، خوراکی و پوشاکی را که از کشورهای خارجی - بخصوص روسیه و انگلیس - وارد ایران و سایر کشورهای اسلامی می‌شد، تحریم کرد. وی عقیده داشت، خارج ساختن ارز از کشورهای اسلامی برای خرید اشیای خارجی موجب تقویت دشمنان اسلام و قدرت استعمارگران است و بدین وسیله سبب ریخته شدن خون مسلمانان و ملتهای فقیر می‌گردد. همچنین ورود کالاهای خارجی موجبات وابستگی اقتصادی را فراهم می‌آورد و از دیدگاه فقهی و سیاسی اسلام، حرام است.

وی در پاسخ به سوالی در این مورد پس از ذکر مقدمه‌ای نسبتاً استدلالی و فقهی سرانجام می‌نویسد:

«... پس حرام است استعمال آنها، و واجب است بر جمیع مسلمانان استعمال مطعومات و ملبوسات و مصنوعات بلاد اسلامی و قطع علائق احتیاج از کفره خارجه و فراهم نمودن وسائل قطع روابط احتیاجات از کفار...»^(۳۰)

فتوای نافرمانی مدنی در قبال دستگاه حاکمه کشورهای اسلامی

علاوه بر متن فتوای وجوب جهاد علیه انگلستان و منع استعمال اجناس وارداتی از کشورهای غیر اسلامی که صبغه سیاسی مشرب فقهی او را نشان می‌دهد، پنج متن و رساله نیز از میان آثار قلمی متعدد او به بررسی مسائل و موضوعات سیاسی از منظر فقه شیعه اختصاص دارد، که یکی از این رساله‌ها به نام «آیات الظالمین» می‌باشد. این رساله فقط برای توجیه فقهی تکلیف مردم مسلمان به نافرمانی مدنی در قبال حاکمان غیر عادل خویش است.

رساله «آیات الظالمین» در سال ۱۳۱۴ قمری در شیراز با همت آقا محمد جواد

۳۰- مجموعه رسائل، ج ۱۰، ص ۳۳۰. جالب است که ایشان در ذیل به فتوای میرزای شیرازی در پاسخ به همین سوال تمسک جسته و همه فتوا را نقل می‌کنند، ولی دقت در فتوای میرزا دو مطلب را نشان می‌دهد. یکی اینکه ایشان در زمان غیبت معصومان به جدائی دولت و ملت نظر داشته که ظاهراً منظور جدائی دین و دولت است (رک. ص ۳۳۱) و دیگر اینکه ایشان نظر بر حرمت مصرف عموم اجناس نداشته و لذا با تغییراتی نظیر «... اینجانب بالطبع متفر و از خوردن آن مجانبت می‌کنم» و توصیه به تولید توسط مسلمانان و سعی در استقلال بسنده کرده‌اند. اما سید لاری به صراحت فتوا بر حرمت داده‌اند. و البته اینگونه اختلاف فتوا نشانه افتتاح باب اجتهاد شیعی است.

صاحب خلف حاجی محمد باقر، طاب ثراه در ۷۸ صفحه به صورت سنگی به چاپ رسیده است. شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه^(۳۱) از این کتاب با نام «آیات النازلة فی ذم الظلم و الجور» یاد کرده و نیز در نقباء البشر^(۳۲) به همین نام آن را ذکر کرده است. در «دوحة احمدیه» و «شجره طیبه» نیز این کتاب جزء فهرست آثار مولف ذکر شده است. «آیات الظالمین» به خط حسینعلی جهرمی نوشته شده است. شایان ذکر است که این کتاب ده سال پیش از انقلاب مشروطیت به طبع رسیده است. رساله «آیات الظالمین» دارای دو بخش و یک خاتمه است.

در بخش نخست آیاتی که دلالت بر مذمت و تقبیح ظلم و ظالمین دارد استخراج شده است. سید در این رساله پس از نقل حدود چهار صد آیه در مورد ظلم و اوصاف ظالمین، به مذمت ظالم و ظالمین می پردازد. او در شریعت اسلامی هیچ جرم و گناهی را با ظلم هم ردیف نمی داند. سید لاری حتی گناه و جرم «ارتداد» را نازل تر از ظلم می داند؛ از این رو کیفر شرعی نوعی از ظلم را که محاربه یعنی «تجريد السلاح لاخافة المسلم» باشد،

شدیدتر از کیفرهای همه جرایم و گناهان دیگر می داند. لاری برای اثبات قبیح تر و زشت تر بودن ظلم از همه معاصی و کبایر، ادله شرعی و عقلی زیادی را ارائه می کند. برخی از این استدلال ها چنین است: (۳۳)

از جمله شواهد صدق این مدعی از محکومات کتاب و سنت، اینکه حد و عقوبتی که مترتب فرموده حق تعالی بر یک قسم از اقسام ظلم و جوری که متعارف و متداول تمام ظالمین و جائرین این زمان است، که عبارت از محاربه با مسلمانان است که به اتفاق نصوص و فتاوا عبارت است از: تجريد سلاح لاخافة مسلم، به هیچ یک از اقسام کبایر و به هیچ یک از انواع کفر و ارتداد چنین حد و عقوبتی دنیوی مترتب و مقرر نفرموده به صریح آیه شریفه: «انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله...» (۳۴)

۳۱- شیخ آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۱، ص ۴۸-۴۹.

۳۲- همو، نقباء البشر، ج ۳، ص ۱۰۴۹.

۳۳- سید عبدالحسین لاری، رسائل سید لاری، آیات الظالمین، سید علی میرشریفی (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷)، ص ۲۵۳.

۳۴- سوره مائده (۵)، آیه ۳۳.

وی صراحتاً اعتقاد به «السلطان ظل الله فی الارض» را معارض با کتاب و سنت می‌دانست^(۳۵) و بر این اعتقاد بود که ظلم به خودی خود موجبات عزل زمامدار را فراهم می‌آورد.

در بخش دوم، روایاتی را که دلالت بر قبح ظلم می‌کند جمع آوری کرده است. او به بررسی سنت و احادیث پیامبر و ائمه معصومین می‌پردازد و احادیث فراوانی را در محکومیت ظلم و ظالم و معاونت ظلمه و کیفرهای آن ارائه می‌دهد که بسیار ارزشمند است.

وی در این بخش، از همکاری مومنان با دستگاه‌های حکومتی ظالم به «حرمت مطلقه معاونت ظالم» یاد می‌کند. منظور از اصطلاح «معاونت ظالم» پذیرش کار در یکی از تشکیلات و نهادهای حکومتی حاکم جائز و ظالم است. این مسئله در بین فقهای شیعه مورد اختلاف است که آیا معاونت ظالم و همکاری با او، فقط در اموری که ارتکاب آنها شرعاً جایز نمی‌باشد، محرم است و یا اینکه حرمت معاونت به طور مطلق در هر امری از امور است، هر چند که آن کار امری مباح باشد، مانند پذیرش شغل و زندگی در دستگاه حاکم ظالم و امثال آن.

سید لاری به نقل از علامه مجلسی و تایید سخنان او، معاونت بر ظلم و عدوان را معادل کفر می‌گیرد. لاری پس از اثبات دیدگاه خود در مسئله حرمت مطلق معاونت ظالم در مقام جمع بندی می‌نویسد:

«هر یک از این محکومات ثقلین «کتاب و سنت» حجت قاطعه بالغه تامه کامله و افیه کافیه است بر اینکه ظلم و جرم و جور اسوء است عاقبه و اشد است عقوبه از جمیع منکرات و معاصی از مبدا صغائر تا منتهای کبائر که کفر است».^(۳۶)

همان گونه که ملاحظه می‌شود سید لاری اولاً: با استدلالات فقهی می‌خواهد برای فلج کردن دستگاهی حاکمان ظالم از تحریم مطلق همکاری استفاده کند که نوعی مقاومت منفی علیه ظلم است و ثانیاً می‌خواهد با فتوا بر حرمت مطلق همکاری با مشهور مخالف کند و از این رهگذر باب جدیدی را در فقه سیاسی شیعه باز نماید. سید لاری

هرچند قول مخالف را به برخی از فقها نسبت می‌دهد ولی شیخ انصاری نظر مخالف را منتسب به مشهور فقیهان کرده و خود نیز همان نظر را تقویت نموده است.^(۳۷)

سید لاری نظریه مشهور را به شرح زیر انتقاد می‌کند:

آنچه موجب شده تا برخی از علمای شیعه از فتوا دادن به «حرمت مطلقه معاونت ظالم» خودداری کرده وبه «حرمت معاونت ظالم فقط در موارد ظلم و معصیت» فتوا دهند، سه شبهه عمده است:

(۱)- از جمله آن شبهات، شبهه توهم اختصاص نصوص ظلمه و جائزین به ظلمه و جائزین مخالفین امر دین است که حجت بالغه قاطعه رافعه این شبهه، اطلاق تمام آن نصوص فتاوی است. علاوه بر شهادت سیاق تمام آن نصوص بر اباء و امتناع از تخصیص و تقیید به غیر تقیه و ضرورت و علاوه بر شهادت تمام خطابات شفاهیه قرآنی و نصوص نبویه بر اباء و امتناع از تخصیص و تقیید به ظلم مخالفین در دین، زیرا که در زمان صدور آن خطابات، مخالف در دین نبوده و تخصیص آن خطابات به کسانی که بعد(به) وجود می‌آیند به غیر مورد و اخراج مورد تمام آن خطابات از تحت آن عموم و اطلاقات، منافی بلاغت و حکمت کلام بلیغ و حکیم است الی غیر النهایه.

و علاوه بر صریح جمله‌ای از آن نصوص در خصوص ظلمه امامیه، مثل حدیث اخیر مجلسی از حضرت صادق علیه السلام که فرمود: امید نجات دارم برای هر که اعتقاد به امامت داشته باشد از این امت، مگر سه کس، صاحب استیلابی که ظلم به رعیت خود کند و کسی که در دین بدعت گذارد و کسی که علانیه فسق کند.^(۳۸)

(۲)- و از جمله آن شبهات، شبهه فرق است در معونه ظلمه میان معونه بر محرم پس حرام است، و معونه بر مباح پس مباح است، و حجت بالغه قاطعه رافعه این شبهه ایضا اطلاق نصوص و فتاوی است، بلکه تصریح جمله‌ای از آنهاست. علاوه بر اعتبار عقلی که شاهد است ایضا بر عدم فرق میان مطلق معونه ظلمه حتی

۳۷- شیخ مرتضی انصاری، مکاسب، ص ۵۵ (چاپ طاهر) ج ۲، ص ۵۸ (چاپ تراث).

۳۸- محمد باقر مجلسی، حلیة المتقین، ص ۲۲۴، روضه الواعظین، ص ۴۶۵.

در مثل خیاطت ثوب و بناء منزل، در رجوع نمودن به اعانه اثم و عدوان منهی است، زیرا که اگر چنانچه ترک خیاطت ثوب و بناء منزل ایشان نمایند، هر آینه بی ثیاب و بی منزل می مانند و مرتدع و ممتنع از ظلم و اثم و عدوان خواهند شد، پس هریک از آن دو قسم معونتین را مداخلیت و مقدمیت است در حصول ظلم و اثم و عداون منهی.

ولی بعضی از آن معونات اقرب به ظلم و عدوان است از بعضی دیگر، مثل کتابت دیوان ایشان، که اقرب به ظلم است از خیاطت، ولی این مقدار از فرق فارق نمی شود در تبدیل حرمت معونه اثم و عدوان به اباحه. بلی، ممکن است که فارق شود در تبدیل منع محرم را به منع مکروه؛ به این معنی که نهایت فرق میان مقدمات و مصنوعات قریبه و بعیده اثم و عدوان منهی آن است که بعد بعضی از معونات موجب انصراف نهی آن معونه از حرمت به سوی کراهت شدیده؛ چنانچه فتاوی مشهوره بر این است در باب معامله با ظلمه، اگر چه خلاف ظاهر اطلاقات نصوص منع و نهی از معاونت ظلمه است، حتی در مباحات، بلکه واجبات؛ چنانچه صریح بعض نصوص متقدمه است، مثل روایت صفوان جمال و غیره، که مجلسی در حلیه (المتقین) (۳۹) نقل نموده است.

و چنانچه منقول از بعض اکابر است که خیاطی از او سوال (کرد) که من خیاط ثیاب سلطانم، آیا به این واسطه اعوان ظلمه هستم؟ فرمود: بلکه داخل اعوان ظلمه است کسی که به توسوزن و خیط می فروشد و اما تو از خود ظلمه ای! (۴۰)

علاوه بر اینها همه اگر تسلیم وجود مناص و خلاص از حرمت معونه ظالم در مباحات از حیث معونه بر ظلمش بشود، پس وجود مناص و خلاصی نیست از تحریمش از جهات عدیده دیگر؛ مثل جهت استلزامش مر رکون به ظلمه و حب بقاء ایشان و مودت لمن حاد الله و رسوله، و مداهنه با اشرار و ترک نهیم عن المنکر و امر هم بالمعروف، الی غیر ذالک از جهات عدیده محرمه، کما فی الکافی باب النهی عن المنکر: (ما قدست امه لم یوخذ لضعیفها من قویها بحقه غیر

۳۹- محمد باقر مجلسی، حلیه المتقین، ص ۲۲۴ - ۲۲۳.

۴۰- مرتضی انصاری، مکاسب، ص ۵۵ (چاپ طاهر)، ج ۲، ص ۵۸ (چاپ تراث)؛ شیخ بهایی، اربعین، ۲۳۹.

متمتع)). (۴۱)

سید لاری در انتها از کتاب نان و حلوائی شیخ بهائی نقل قصیده می‌کند و می‌گوید:
«واز جمله اشعار حکمت‌آمیز شیخ العارفین بهاء‌الدین است که می‌فرماید:

نان و حلوا چیست دانی ای پسر	قرب سلطان است زین قرب الحذر
می‌برد هوش از سرو از دل قرار	الفرار از قرب سلطان الفرار
قرب سلطان آفت جان تو شد	پسای بند راه ایمان تو شد
حیف باشد از تو ای صاحب سلوک	کین همه نازی به تعظیم ملوک
جرعه از نهر قرآن نوش کن	آیه لاتر کنوا را گوش کن (۴۲)

«و از جمله متشابهات غرور ظلمه، مرسله‌ای از مجالس عنه صلی الله علیه و آله:
«طاعة السطان واجبة و من ترك طاعة السطان فقد ترك طاعة الله و دخل فی نهیه
«ولا تلقوا باید یکم الی التهلكه»، (۴۳) «والسلطان ظل الله فی الارض» (۴۴) و امثال

۴۱- محمد بن یعقوب کلینی، پیشین، ج ۵، ص ۵۶؛ محمد بن حسن حر عاملی، پیشین، ج ۱۱، ص ۳۹۵.
۴۲- کلیات اشعار مرحوم شیخ بهایی، ص ۱۳۱-۱۳۰، با اندکی تفاوت... البته برای نگارنده این سوال باقی می‌ماند که شیخ بهائی که خود از مقربین دستگاه صفوی است چگونه اقدام به سرودن این اشعار می‌کند و تقرب به سلاطین را محکوم می‌نماید؟ البته گاه شعرا و یا علمای مقرب به قدرت، اگر تقرب به قدرت را اختیاراً کنار نهاده، از عمر به هدر رفته خویش در گذشته اظهار تأسف نموده‌اند و یا چنانچه احیاناً به جہتی و علتی مغضوب شده‌اند، در هجو تقرب به قدرت شعر سروده و یا نشر نگاهشته‌اند. امام محمد غزالی پس از سالها صرف عمر خویش در سیاست و تقرب به قدرت‌های زمان خویش و نوشتن کتابهای متعدد در توجیه و مشروعیت بخشیدن به خلافت عباسی، در مسافرت حج تحول روحی عظیمی می‌یابد و بر سر تربت خلیل عهد می‌کند که دیگر به حاکمی تقرب نجوید و مابقی عمر را به سیر و سلوک معنوی بپردازد. البته برگزیده خود نیز تأسف می‌خورد. در عصر خودمان ملک الشعراء بهار پس از سالها تقرب در اواخر عمر در قصیده‌ای بسیار زیبا که ظاهراً آخرین سروده اوست چنین آرزو می‌کند:
نیست یک جو ایمنی در قرب درگاه ملوک

ای خوش آن موری کز و باشد سلیمان بی خبر
به هر حال نگارنده در خصوص شیخ بهائی از توجیه امر بی‌اطلاع است. و در ایام نگارش این سطور به متخصصین تاریخ صفویه نیز مراجعه و پرسش نموده ولی توجیه قانع‌کننده‌ای جز بیان تأسف و نقد حال عرفانی که به نظرش میرسد چیز دیگری دستگیرش نشده است.

۴۳- بقره (۲)، آیه ۱۹۵؛ محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، امالی، ص ۲۷۷؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۶۸.

ذلک از نصوص معارضه با محکمت کتاب و سنت قطعی که به قواعد نقلیه و براهین عقلیه و نصوص علاجیه و اعمال مرجحات سندیه و دلایله، باید طرح نمود به واسطه شذوذش. و فرمایش معصوم در آن نصوص علاجیه «خذ بما اشتهر بین اصحابک و اترك الشاذ النادر»^(۴۵) یا به واسطه مخالفتش با کتاب و سنت، چنانچه در نصوص علاجیه فرموده اند که: «کل ما وافق کتاب الله فخذوه و کل ما خالف کتاب الله فذروه فاطر حوه فلم نقله»^(۴۶) یا به واسطه ضعف سند؛ یا جمع و تاویل نمودن به حمل بر تقیه و ضرورت یا تخصیص و تقیید نمودن سلطان به سلطان عادل که پیغمبر و امام بوده باشد، به واسطه صوارف عقلیه و نقلیه از عموم و اطلاقش.

(۴)- و از جمله متشابهات غرور ظلمه و مجرمین ایضا عموماً اولیه، مثل عموم «ان الله لا یغفران یشرک به ویغفر ما دون ذلک لمن یشاء»^(۴۷) و حجت بالغه قاطعه این اشتباه و غرور، تاویل این قسم از متشابه و ظهور عموم و تعمیم شرک غیر مغفرت است مرشرک در طاعت و وحدت را، زیرا که هر نحو از مخالفت شرک است در طاعت ولو شرک نباشد در وحدت؛ علاوه بر تخصیص مغفرت به شیعه و مومن و مشیت و سائر تخصیصات کتاب و سنت.

(۵)- و از جمله متشابهات غرور ظلمه و مجرمین و معاذیر غیر مقبوله جائزین، عموم «قل یا عبادي الذين اسرفوا على انفسهم لا تفتنوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جميعاً»^(۴۸) و حجت بالغه این نحو از غرور تاویل و تخصیص عموم مغفرت است به غیر ظلمه و جائزین و غیر حقوق الناس، به صریح نصوص مخصصه از محکمت کتاب و سنت متواتره متقدمه، مثل (وعزتی و جلالی لا یجوز فی ظلم ظالم)».

سید لاری بر همین منوال تا ۱۰ بند به رد استدلالهای نظریه مخالف مبنی بر اختصاص

۴۴- محمد بن حسن طوسی، امالی، ص ۶۳۴؛ مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۱۹۶؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۶، ص ۴.

۴۵- عوالی اللالی، ج ۴، ص ۱۳۳؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۴۵.

۴۶- محمد بن یقوب کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۶۹؛ محمد بن علی بن بابویه، امالی، ص ۳۰۱.

۴۷- نسا (۴)، آیه ۴۸. ۴۸- زمر (۳)، آیه ۵۳.

حرمت معاونت حکومت ظالم فقط در شغل‌های منتهی به ظلم را تضعیف و رد می‌کند و نظر بر حرمت مطلق هرگونه همکاری با حکومت ظلم می‌دهد.

تحلیل و نقد فتاوی نافرمانی مدنی از سوی فقیهان شیعی

همانطور که ملاحظه می‌کنید فتاوی سید لاری در منع پرداخت مالیات به دستگاه حاکمه و با حرمت همکاری با حکومت همانند فتاوی استادش میرزای شیرازی مبنی بر منع استعمال تنباکو دائر است بر نوعی نافرمانی مدنی در مقابل حکومت و تصمیمات او. صدور این‌گونه فتاوا از فقیهان شیعی مبتنی است بر مبنای کلامی آنان در خصوص حقیقت عدل و ظلم. شیعه بر خلاف اشاعره به ذاتی و عقلی بودن عدل و ظلم قائلند یعنی معتقدند افعال بشری ذاتاً و با قطع نظر از حکم شارع و قانونگذار متصف به حسن و قبح است و تشخیص دهنده آن خرد بشری است. و خداوند بدلائل کلامی قبیح است که مرتکب ظلم بر بندگان گردد. در حالیکه اشاعره چنین می‌داشتند که هیچ عملی بدون حکم خداوند نه متصف به حسن است و نه قبح. عدل و ظلم بر پایه حکم شارع است و مادام که حکمی از ناحیه خداوند نسبت به انجام و یا ترک عملی صادر نشده نه ظلم است و نه عدل، ظلم و عدل پس از حکم خدا معنی می‌دهد بر مبنای تفکر اشعری عدل و ظلم بر محور اراده قانونگذار قابل توجیه است و لذا در مواردی که قانونگذار خداوند است اراده تشریعی او همانند اراده و افعال تکوینی او عین عدل است و حاکمینی که خود را از سوی خدا می‌دانند و خود را به او منتسب می‌سازند هرچه آن خسروان کنند شیرین خواهد بود!!

بر اساس مکتب فقه‌ای که مبتنی بر کلام اشعری است و ریشه در آن جهانبینی و نظام الهیاتی دارد، نافرمانی مدنی هرگز معنی ندارد و قابل توجیه نمی‌باشد زیرا اراده قانونگذار مظهر عدالت است و تصمیمات متخذه توسط وی نمی‌تواند رنگ ظلم به خود گیرد تا شهروند به دلیل ادعای ظلم مخالفت نماید.

به طور کلی اگر به جای آنکه بگوئیم قوانین باید عادلانه تنظیم شود، معیار حق و عدالت را قانون معرفی کنیم دقیقاً از اشعریت، ولی گونه مدرن آن پیروی کرده‌ایم هرچند که قوانین دنیوی و برگرفته از اراده مراکز تقنینی عرفی باشد.

اما مکتبی که متکلمین شیعه امامیه بر آن پای می‌فشارند عدالت عقلانی و ذاتی بودن حسن و قبح افعال بشری است، و جملگی آنان بر آنند که عدالت و ظلم امری است که حاکم بدانها خرد انسانی است و احکام الهی لزوماً و به حکم براهین عقلیه بایستی عادلانه باشند، زیرا ظلم خداوند نسبت به بندگان قبح عقلی دارد.

تفقه شیعی مفتخر است که بریک چنین نظام کلامی ای استوار است، لذا هیچ حاکمی هر چند منتسب به خداوند نمی‌تواند اقدام به وضع قانونی غیر عادلانه نماید و یا مرتکب عملی ظالمانه گردد که در این صورت، این حق و بلکه وظیفه و تکلیف شهروندان است که به نا فرمانی مدنی مبادرت نمایند.

افلاطون حکیم یونانی وقتی استادش سقراط را به استناد قانون توسط دادگاه به مرگ محکوم کردند سخت به این واقعیت معتقد شد که شهروندان باید در مقابل بی‌عدالتی‌های حاکمان ایستادگی کنند.^(۴۹) وی به این نکته اعتراف می‌کند که چنین نیست که همواره قوانین از سوی مراکز تقنین منطبق با عدالت صادر گردد، وی می‌نویسد: «اگر قوانین در راستای منافع کل کشور وضع نشده باشند قوانین واقعی نیستند. قوانینی که در جهت منافع بخش خاصی از مردم وضع شده باشند جناحی خواهند بود و نسبت دادن صفت عدالت به آنها پوچ و بی‌معناست».^(۵۰) و در جای دیگر می‌نویسد: «کسی که پیشوای مردم است، چون توده را مطیع فرمان خویش می‌یابد جلوی خود را نمی‌تواند بگیرد و دست خود را به خون هم نوع خود می‌آلاید، افراد را به وسیله تهمت و افترا که حيله متداولی است به دادگاه می‌کشاند و جان آنان را برباد می‌دهد، برخی را از میهن می‌راند و برخی دیگر را به قتل می‌رساند... سپس کوشش خویش را به کار خواهد برد تا جنگ ایجاد کند تا مردم محتاج به سرکرده و سردار شوند و منظور دیگر او این است که مردم در صدد رفع حوائج روزانه خویش برآیند و نتوانند علیه وی توطئه کنند».^(۵۱)

سنت توماس آکوئیناس (۱۲۷۴-۱۲۲۸ م.) فیلسوف قدیس ایتالیایی می‌گوید: «...چه بسا اتفاق می‌افتد که قوانین نوشته شده غیر عادلانه باشد. در کتاب مقدس آمده است:

۴۹- افلاطون، جمهور، ترجمه فواد روحانی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ نهم، تهران، ۱۳۸۳، ص ۶۱.

۵۰- همان، ص ۴۹۵.

۵۱- همان، ص ۷۴.

بدا به حال کسانی که قوانین غیر عادلانه نوشته‌اند...» (۵۲)

ولی غزالی اشعری در کتاب نصیحه الملوک از اطاعت پادشاهان سخن می‌گوید و در شأن و مرتبه داشتن شاهان در پیشگاه خدا حدیث آورده و نوشته است: «چنان‌که گفته‌اند، سلطان سایه خدا بر روی زمین است» (السلطان ظل الله). از این روی مردم مکلفند آنان را دوست داشته باشند و پیروی و اطاعت کنند. مردم نباید از دستورات حکام سرپیچی کنند؛ زیرا خداوند همان‌طور که در قرآن فرموده: «تعز من تشاء و تذل من تشاء...» قدرت را به هرکس که اراده فرماید عطاء می‌کند.

پافشاری امام محمد غزالی در دعوت از مردم به پیروی از فرامین خلفا به جایی رسید که برای توجیه این دعوت حتی یزید بن معاویه را تطهیر کرد و کسانی را که سر از اطاعت آنان بیچند به حکم قرآن به عقوبت قطع دست‌ها از مچ و قطع پاها و مصلوب کردن تهدید نمود و امثال این آیه را حجت آورد: «انما جزؤ الذین یحاربون الله ورسوله ویسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم وارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض»^(۵۳) بدین معنی که «آنان که علیه خدا و رسول او جنگ می‌کنند و می‌کوشند فساد بر روی زمین برانگیزند مجازات‌شان کشتن و تصلیب یا بریدن دست‌ها و پاهایشان، یکی از راست و یکی از چپ یا تبعید از سرزمین‌شان خواهد بود».

چهره نخستین سیاسی غزالی را باید در کتاب «فضایح الباطنیه و فضائل المستظهریه»^(۵۴) به دست آورد. وی این کتاب را به امر خلیفه عباسی، المستظهر بالله پس از جلوس به خلافت در حدود سالهای ۴۸۷ پیش از مهاجرت از بغداد در رد عقاید باطنیه تالیف کرد.^(۵۵) منظور از باطنیه فرقه اسماعیلیه^(۵۶) از فرقه‌های شیعه هستند که

۵۲- فیلیپ مالوری، اندیشه‌های حقوقی، ترجمه مرتضی کلانتریان، چاپ اول، آگاه، تهران ۱۳۸۳، صص ۷۳-۶۲.
۵۳- سوره مائده آیه ۳۳.

۵۴- نام دقیق کتاب حسب آنچه مؤلف در مقدمه آورده همین است: «سمیته فضائح الباطنیه و فضائل المستظهریه» (ص ۵) و شگفت آنستکه علیرغم تصریح مؤلف، عبدالرحمن البدوی کتاب را تحقیق و با مقدمه‌ای در قاهره ۱۹۶۴ میلادی برای نخستین بار به چاپ رسانده (المکتبه العربیه للتراث) ولی نام آنرا به تردید «المستظهری» یا «فضائح الباطنیه و فضائل المستظهریه» خوانده و در پشت جلد کتاب همان قسمت اول «فضائح الباطنیه» عنوان داده است. مرحوم همائی نیز در کتاب غزالی نامه در فهرست آثار غزالی نام المستظهری را می‌آورد و سپس از صاحب معجم المطبوعات العربیه نقل می‌کند که این کتاب همان فضائح الباطنیه و فضائح المستظهریه است. (ص ۲۶۳)

۵۵- غزالی متولد ۴۵۰ هجری قمری است و بنابراین کتاب فوق را در سن ۳۵ سالگی تالیف کرده است.

قائل به امامت امام معصوم هستند. در آن روزگار مبلغین اسماعیلیه از جانب دولت فاطمیان در مصر، مردم را به پیروی از المستنصر بالله فاطمی در مقابل المستظهر بالله عباسی دعوت می‌کردند. غزالی در این کتاب دو هدف دارد یکی رد عقاید باطنیان و به قول او بیان فضایح و رسواییهای آنان و دیگر بیان فضائل المستظهر بالله خلیفه عباسی. غزالی بعدها از گفته و کرده‌های خود سخت پشیمان می‌شود و از سیاست کناره‌گیری می‌کند.



۵۶- باطنیه یا اسمعیلیه فرقه‌ای از شیعیانند که گویند امامت پس از حضرت صادق (ع) به پسر بزرگ وی اسمعیل رسید و بدو ختم شد. این فرقه بنامهای مختلف مانند فاطمیه، علویه، باطنیه، اسماعیلیه، سبعیه و ملاحده خوانده میشوند و هر نامی باعتبار جهتی است.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی